

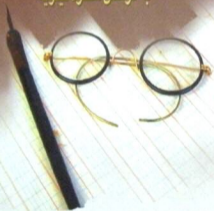
نادره کاران

(سوکنامه ناموران فرهنگی و ادبی)

ش ۱۳۸۱ - ۱۳۰۴

ایرج افشار

به کوشش محمود نیکویه



(سوکنامه ناموران فرهنگی و ادبی)

ش ۱۳۸۱ - ۱۳۰۴

ایرج افشار

به کوشش محمود نیکویه

نادره کاران

کتاب حاضر شرح زندگی و بیان عملکرد فرهنگی مردان و زنانی است که در قرن اخیر هر یک به گونه‌ای به گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی پرداخته و با نشر آثار خود گوشه‌های نازک این تمدن گمشده را روشن نموده‌اند. از این بابت هر یک از آنان سرگنجینه‌های نامدیر دارند که می‌تواند برای جوانان امروز و آینده‌شان نمونه و سرمشق باشد.

دانشمندی که با خلق و علاقه به سرزمین خود، بدون کمترین چشم‌اندازی تر شناساندن فرهنگ گذشته این دیار و تقویت حس ایران‌دوستی در نسل‌های کنونی و آینده‌گوشا گزاره بوده‌اند.

آنچه که نوشته‌های افشار را از دیگران متمایز می‌کند به سبب یک ویژگی خاص است که در دیگران نیست، و آن این است که نویسنده با اکثر آنان دوست، رفیق، همکار، همسفر، همکار، همسفر، همکلاس و... و به نحوی آشنا بوده است و با برخی دیگر نیز به سبب استاد و شاگردی بیوندی دیرینه داشته و با گروهی دیگر رفیق و همدم و همسفر گوه و بیابان و جنگل بوده و خلاصه به سبب نزدیکی به شخصت سال‌ها کار مطبوعاتی اسم از سردبیری و صاحب امتیازی، اکثر اشخاص را از راه کار فرهنگی شناخته و گاهی نیز به جهت نامه‌ای و مقاله‌ای از آنان با آنها آشنایی به هم زده و دوستی پایدار میانشان به‌پا رز شده است.

از این نظر کتاب حاضر گذشته از حدیث دیگران، تا حدودی روایت زندگی فرهنگی نویسنده نیز هست، چرا که در خلال بیان زندگی افراد مختلف، به نحوه آشنایی خود با آنان پرداخته و بدین وسیله گوشه‌هایی از زندگی و کار خود را نیز نمایانده است.



کتابخانه ملی ایران

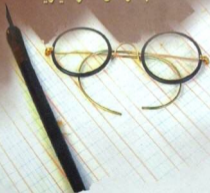
نادره کاران

(سوکنامه ناموران فرهنگی و ادبی)

ش ۱۳۸۱ - ۱۳۰۴ ش

ایرج افشار

به کوشش محمود نیکویه



باید همگانی کنست
بدر آن مجروحان
بهر آنکه

بهمه رفتند

دعوی چه کنی داعیه داران همه رفتند
انگر دستا بنده که بر امن صحراست
دماغ است دل لاله و نیلی است برود
کز ناوره معدوم شود هیچ عجب نیست
کز باغ صحرایان لاله بخواران همه رفتند
کز کلاخ همساز ناوره کلان همه رفتند
اندوه که آندوه گساران همه رفتند
بگنجینه نهادند به ما را ان همه رفتند
بیک مرغ گرفتار درین گلشن بران
سها به نفس نماند و هزاران همه رفتند

خون بار صحرایان در فراق
کفر میس تو چون از صحرایان همه رفتند

عمر تقی سها
(ملک الشعرا)

فهرست سالشماری نام‌های نادره‌کاران^۱

۱۷..... نادره‌کاران همه رفتند.....
 ۲۱..... سخنی از مدون کتاب.....

بخش نخست: ایرانیان

(ش ۱۳۳۲)

- ۸۸..... ۲۲- غلامحسین زیرک‌زاده.....
 ۸۹..... ۲۳- عبدالرزاق بغایری.....
 ۸۹..... ۲۴- غلامحسین کاشف.....
 ۸۹..... ۲۵- عبدالحسین ذوالریاستین.....
 ۹۰..... ۲۶- میرزاهدی آشتیانی.....

(ش ۱۳۳۴)

- ۹۱..... ۲۷- مرتضی کیوان.....
 ۹۷..... ۲۸- احمد بهمنیار.....
 ۱۰۰..... ۲۹- عباس اقبال آشتیانی.....
 ۱۱۲..... ۳۰- علی اکبر دهخدا.....
 ۱۱۹..... ۳۱- دکتر مهدی ملک‌زاده.....
 ۱۱۹..... ۳۲- ضیاءالدین دُرّی.....

(ش ۱۳۳۸)

- ۱۲۱..... ۳۳- علی اسفندیاری (نیما یوشیج).....
 ۱۲۳..... ۳۴- محمود نریمان.....
 ۱۲۹..... ۳۵- حسین طوطی.....
 ۱۳۱..... ۳۶- احمد فرامرزى.....
 ۱۳۳..... ۳۷- حسین کاظم‌زاده ایرانشهر.....
 ۱۳۴..... ۳۸- علی نصر.....

(ش ۱۳۴۱)

- ۱۳۵..... ۳۹- محمد نجوانی.....
 ۱۳۷..... ۴۰- فضل‌الله مهتدی (صبحی).....

(۱۳۰۴-۱۳۲۸ ش)

- ۲۷..... ۱- حسن مقدم.....
 ۳۲..... ۲- حسن پیرنیا - مشیرالدوله.....
 ۳۳..... ۳- محمدعلی فروغی.....
 ۳۵..... ۴- سید احمد کسروی.....
 ۳۹..... ۵- ابوالقاسم آزاد مراغی.....
 ۴۱..... ۶- محمد قزوینی.....

(ش ۱۳۳۰)

- ۵۹..... ۷- صادق هدایت.....
 ۶۵..... ۸- محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا).....
 ۷۰..... ۹- غلامرضا رشید یاسمی.....
 ۷۳..... ۱۰- دکتر مهدی بهرامی.....
 ۷۵..... ۱۱- دکتر عبدالحمید اعظمی زنگنه.....
 ۷۵..... ۱۲- دکتر حسن شهید نورایی.....
 ۷۶..... ۱۳- محمدعلی بامداد.....
 ۷۶..... ۱۴- دکتر محمدحسین لقمان ادهم.....
 ۷۶..... ۱۵- سیدمحمد تدین.....
 ۷۶..... ۱۶- سید محمدعلی داعی‌الاسلام.....

(ش ۱۳۳۱)

- ۷۸..... ۱۷- دکتر قاسم غنی.....
 ۸۳..... ۱۸- صادق صادق (مستشارالدوله).....
 ۸۶..... ۱۹- مهندس کریم ساعی.....
 ۸۶..... ۲۰- دکتر حسن سمعی.....
 ۸۶..... ۲۱- محمد مظاهر (صدیق حضرت).....

۱۰۸۳..... ۵۹۲- جیمز پیرسن
۱۰۸۶..... ۵۹۳- خلیق احمد نظامی
۱۰۸۷..... ۵۹۴- هانس روبرت رویمر
۱۰۹۰..... ۵۹۵- ریچارد کوتام
۱۰۹۱..... ۵۹۶- ژان اوین
۱۰۹۳..... ۵۹۷- حکیم محمد سعید
۱۰۹۳..... ۵۹۸- مینوبو هوندا
۱۰۹۴..... ۵۹۹- ج. و. تیبیتس
۱۰۹۵..... ۶۰۰- هنرمن
۱۰۹۵..... ۶۰۱- مردیت اونس
۱۰۹۶..... ۶۰۲- ماریو گریناشی
۱۰۹۷..... ۶۰۳- شیخ حمد الجاسر
۱۰۹۸..... ۶۰۴- ایلیا گرشویچ
۱۰۹۸..... ۶۰۵- دانکن نیل ماکنزی
۱۰۹۹..... ۶۰۶- محمد اسلم خان
۱۰۹۹..... ۶۰۷- ولادیمیر کوشف
۱۱۰۰..... ۶۰۸- انس خالداف
۱۱۰۰..... ۶۰۹- نصر اللہ میشر الطرازی
۱۱۰۰..... ۶۱۰- رونالد امریک

۱۰۷۴..... ۵۷۳- دکتر زبیده صدیقی
۱۰۷۴..... ۵۷۴- محمد علی عطار هروی
۱۰۷۵..... ۵۷۵- توشهکو ایزوتسو
۱۰۷۵..... ۵۷۶- رحیم هاشم
۱۰۷۶..... ۵۷۷- دکتر محمد باقر
۱۰۷۶..... ۵۷۸- لویی وانڈن برگ
۱۰۷۷..... ۵۷۹- زیگموند تلگدی
۱۰۷۷..... ۵۸۰- رستم علی یف
۱۰۷۸..... ۵۸۱- ادیت پرادا
۱۰۷۸..... ۵۸۲- جورج قنواتی
۱۰۷۸..... ۵۸۳- آیدین صایلی
۱۰۷۸..... ۵۸۴- گارسیا گومز
۱۰۷۹..... ۵۸۵- سرهارولد بیلی
۱۰۷۹..... ۵۸۶- پیتر کلمایر
۱۰۷۹..... ۵۸۷- ا. ف. ل. بیستن
۱۰۸۰..... ۵۸۸- گٹو ویدنگرن
۱۰۸۰..... ۵۸۹- کنت لوتر
۱۰۸۰..... ۵۹۰- ژنرال لوکنت
۱۰۸۱..... ۵۹۱- میلوئس بوروتسکی

... نادره کاران همه رفتند

در این سوکنامه، سرگذشت کوتاه یا بلند ششصدونه تن از بزرگمردان و ناموران فرهنگی دل سوخته و فرهنگ دوستان دلپاخته که در پنجاه و چند سال اخیر درگذشته‌اند، آمده است. همه نوشته‌هایی است که پیش ازین، جای جای در مجله‌های ادبی جهان‌نو، مهر، فرهنگ ایران زمین، سخن، یغما، کتابهای ماه، راهنمای کتاب، آینده، آدینه، کلک و بخارا به چاپ رسیده است. درباره هر یک از این ناموران فرهنگی چون درمی‌گذشت، بنا بر شناختی که ازو داشتیم و تأثیری که از درگذشتش برایم پیش می‌آمد مطلبی می‌نوشتیم. درباره بسیاری هم قصور کرده‌ام و نوشته‌ای بر بیاض سواد نشده است، اما ناگفته پیداست که مقام آنها پیش اهل نظر مشخص و مزار مردم عارف درون سینه ماست.

سرگذشت نویسی در میان ایرانیان و دیگر ملل مسلمان همیشه مرسوم بوده است. کتابهایی که به معرفی محدثین و برای شهرهای مختلف نوشته می‌شد، نمونه خوبی است از آن مرسوم. برای طبقات دیگر هم کتابهای متعدد هست مانند: پزشکان، صوفیان، وزیران، پادشاهان، فقیهان، ادیبان، شاعران، اغانی سرایان، مدفونان یک شهر و جز اینها. نویسندگان آن کتابها را بنابه سلیقه و ضرورت، به ترتیب سنواتی، نامگانی، موطنی و جز اینها منظم و تألیف می‌کرده‌اند. شمار این دست از کتب در زبانهای فارسی و عربی را اگر بخواهم به تخمین هم بگویم چیزی کمتر از دو سه هزار جلد نخواهد بود. روز به روز هم برشمار آنها افزوده می‌شود. این گونه از آثار را با اصطلاحات متعددی مانند طبقات، اعلام، تذکره می‌شناسانده‌اند.

طبقاتی که نامشان و یادشان بر قلم من رفته است از استادان، ایران‌شناسان، پژوهشگران، ادیبان، شاعران، رجال فرهنگ‌خواه، کتابداران، ناشران، کتابفروشان، مدیران چاپ و مجلدگرانی بوده‌اند که من با آنها حشر و نشر یا مکاتبه و ملاقات داشته‌ام و از لذت هم صحبتی آنها بهره‌ها بر گرفته‌ام و به حد مقدور آداب و اخلاق و آثار آنها را می‌شناختم. امیدوارم آنچه درباره آنان نوشته‌ام از هر گونه کزاف و نادرستی دور باشد و لافی بر قلمم

نرفته باشد. کوششم بر آن بوده است که آن طور باشد. موفق بوده‌ام یا نه داوری راستین با درست اندیشان است.

جز آن معمولاً کوششم بر آن بوده است تا از شناساندن و حق‌گزاری نسبت به فضلالی دورافتاده شهرها و آبادیهای برکنار از جنجال تهران غافل نمانم و نام آن بزرگواران فریفتند. در مورد ایران‌شناسان - از فرنگ و هند گرفته تا ژاپن و ینگو دنیا - چنانکه می‌باید شاید انتظار خوانندگان برآورده نشود. زیرا ذکر گروهی از آنان را در بردارد. آنچه نوشته‌ام تصادفی بوده است. با این همه نام بسیاری از ایران‌شناسان دوستدار فرهنگ ایرانی درین مجموعه آمده است.

تا زمانی که مجلهٔ آینده منتشر می‌شد می‌کوشیدم در گذشته‌ای که سزاوار یادمان باشد فراموش نشود. پس از آن هم چون لطف علی دهیاشی را پشتیبان داشتم به تفاریق در کلک و بخارا آن رویه را - نه چندان منظم و به حوصله - دنبال می‌کردم. ولی به تدریج دستم و ذوقم و قلمم از سرگذشت‌نویسی در گذشتگان خشکید. این هم نوعی است از آن حکایت مشهور که خیاط در کوزه افتاد.

برای بعضی از فضلا به مناسبت‌های مختلف چندبار و در چند جا و چند مرحله مطلبی نوشته‌ام. آقای محمود نیکویه مناسب دیده است همه را به سیر زمانی نوشته‌ها به دنبال هم بیاورد. اگر تکراری در نوشته‌ها دیده شود بدان دلیل است و شاید بی‌فایده هم نباشد ازین لحاظ که خواننده با سنجش دو نوشته می‌تواند معایب نظر و کوتاهی حافظهٔ مرا دریابد.

در سرگذشت عده‌ای از بزرگان مانند: اللهیار صالح، دکتر محسن صبا، دکتر رضازاده شفق، امیرمهدی بدیع، حبیب یغمایی، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، احمد گلچین معانی، سعید نفیسی، سید محمدعلی جمال‌زاده، کرامت رعنا حسینی و چند تن دیگر نامه‌ها یا گوشه‌هایی از نامه‌های آنها را به چاپ رسانیده بودم. ولی آقای نیکویه معمولاً از آوردن آنها برای پیش‌گیری از حجیم شدن کتاب به حق خودداری کرده است.

گفتن این نکته هم مناسب است که درین نوشته‌ها یک دستی و یک نواختی و یکسانی نیست. فهرست تألیفات به یک گونه آورده نشده است. هر یک مربوط به زمانی و حالی بوده است. در سرگذشت عباس اقبال، سعید نفیسی، مجتبی مینوی و سید حسن تقی‌زاده صورت نسبتاً کامل آثارشان را می‌بینید، ولی ذیل احوال بعضی چنان فهرستی نیامده است. البته از صاحبان این ترجمه‌ها، پس از وفاتشان کتابهایی از نوشته آنها یا مجموعه‌هایی درباره آنها چاپ شده است که می‌باید نشانی آنها به سرگذشتشان افزوده می‌شد ولی این کاری است گران که اکنون در توانایی من نیست.

این مجموعه شاید ازین حیث بتواند مفید واقع شود که یاد جمعی را در بر دارد که جای دیگر شاید اطلاع دو سطری هم درباره آنها نیامده باشد. اگر چنین باشد کوشش محمود نیکویه در گردآوری این نوشته‌های ناهمگون ثمری و اثری خواهد داشت.

من از روزگار خردی بسیاری از بزرگان ادب و سیاست را در خانه پدری دیده بودم. چون به دانشگاه رفتم و نام آنها را در کتابها و مجلات می‌دیدم طبعاً دیدارهای عهد کودکی با آنها برابم افتخار آفرین بود و شاید به مناسبت همان تأثرات بوده است که به سرگذشت‌نویسی برخی از آنها پرداختم. پنجاه و چند سال پیش سرگذشت‌هایی را که از بیست و هشت تن از بزرگان محققان و مؤلفان نوشته بودم آرام آرام به صورت کتابی در آوردم و به نام «نثر فارسی معاصر» (تهران، ۱۳۲۹) به چاپ رسانیدم. در ذیل مقدمه همان کتاب بود که اشاره وار تألیفات نوزده دانشمند دیگر را هم شناسانیدم.

اینکه عرض شد از روزگار خردی بزرگانی را در خانه پدری دیده بودم لاف و گزاف نیست. از روزی که پدرم در تیر ماه ۱۳۰۴ (سه ماه پیش از تولد من) مجله آینده را تأسیس کرده بود عصر روزهای سه‌شنبه را به پذیرایی ادیبان و شاعران و دبستان‌گامالات ملى اختصاص داده بود. اگر چه مجله آینده در ۱۳۰۶ خاموش شد ولی آن جلسات منظمأ تا اوایل سال ۱۳۱۵ در تهران برگزار می‌شد. به طور مثال هنوز چهره آن روزگاری حیدرعلی کمالی، مصطفی فاتح، علی دشتی، اللهیار صالح، نصرالسلطان مین باشیان، علی پاشا صالح، رشید یاسمی، احمد کسروی، سعید نفیسی، ملک حجازی قلمز را که از شش هفت سالگی خود دیده بودم به یاد می‌آورم. پس از آن که پدرم خانه‌اش را به باغ فردوس شمیران انتقال داد، دوستانش تابستانها به سراغش می‌آمدند. ازین دوران هم تشریف آوردن ملک الشعراء بهار، دکتر صادق رضازاده شفق، دکتر قاسم غنی، محمود فرخ، ابراهیم پورداود، حبیب یغمایی، عباس اقبال از یادم نرفته است. می‌خواهم عرض کنم که احترام گذاردن به این قبیله با شیر من اندرون شده است و با جان به‌در رود.



چند سال پیش، از جانب دوست فاضل محمود نیکویه - از رشت - مکتوبی دلایز به دستم رسید که در آن نوشته بود نوشته‌های مراد مرگ اشخاص از مجله‌های مختلف بیرون نویسی کرده است و خواسته بود که اگر می‌پذیرم آنها را در کتابی به چاپ برساند. در قبال این کارگران و لطف بیکران چه می‌توانستم گفت جز سپاسگزاری. تنها خواهشم آن بود که چیزی از نوشته‌ها کوتاه نشود و هر چه نوشته‌ام به همان طور تجدید شود که بوده است. تأکید کردم نوشته‌هایی باید به چاپ برسد که درباره درگذشتگان است نه آنها که از نعمت حیات

بر بخورد دارند، و دراز تر باد عمرشان.

نام کتاب برگرفته از تعبیر زیبایی است که محمد تقی ملک الشعرای بهار در غزل مشهور خود به مناسبت وفات عارفه قزوینی آورده و متن آن غزل در صدر این کتاب نقل شده است. متن غزل را آن طور که در دیوان آن استاد سخن چاپ شده است در سر آغاز این مجموعه نقل کردم نه آن طور که به هنگام در گذشت محمد قزوینی در مجلهٔ یغما آورده‌اند و موجب خشم مرحوم ملک شده بود. مصراع مضبوط در یغما چنین است: «از ملک ادب حکم گذاران همه رفتند». اگر هم دلبذیر تر باشد سخن سرایندهٔ غزل نیست. حضرت ملک خود فرموده است: «از ملک ادب داعیه‌داران همه رفتند».

از جناب محمود نیکویه و اولیای بزرگوار نشر قطره (آقای مهندس فیاضی) و نیز آقای صادق نژاد که ریزه کارانه نادیده‌های مرا در غلط‌گیری دیده و اصلاح کرده‌اند، بسیار سپاسگزارم که چنین بزرگواری را دربارهٔ این نوشته‌ها نشان داده‌اند ولی در حقیقت گونه‌ای احترام گزاردن به آن بزرگان یعنی نادره کارانی است که میان ما نیستند.

بیست و نهم دی ۱۳۸۱

ابرج افشار

سخنی از مدوّن کتاب

کتابی که پیش روی شماست، حاصل بیش از پنجاه سال قلمزنی آقای ایرج افشار مدیر و سردبیر نشریه‌های مهر، فرهنگ ایران زمین، سخن، کتاب‌های ماه، ایران‌شناسی، کتابداری، راهنمای کتاب، آینده و دبیر ثابت کنگره‌های تحقیقات ایرانی، در زمینه درگذشتنامه نویسندگان، شاعران، پژوهشگران، خادمین فرهنگ و ایران‌شناسان ایرانی و خارجی است که همزمان با درگذشت آنان در پنج دهه اخیر در مطبوعات ایران به چاپ رسیده است و اینک به صورت کتاب حاضر در دسترس علاقه‌مندان به این گونه مطالعات قرار گرفته است.



نگارنده از سالهای نوجوانی با مطالعه ماهنامه راهنمای کتاب که به سردبیری و مدیر مسئولی ایشان تا سال ۱۳۵۷ انتشار می‌یافت و پس از آن با مجله آینده و نشریات دیگر با آثار و مقالات استاد آشنا شده و الفتی دیرینه با نوشته‌های ایشان به ویژه مقالاتی که درباره نویسندگان و پژوهشگران معاصر و خادمین فرهنگ‌ساز نوشته‌اند، داشته‌ام. و چون خود سالهاست که در این زمینه کار و در تهیه کتابی با عنوان «فرهنگ پژوهشگران» می‌باشم، از این جهت مقالات روزنامه‌ها و مجلات و بریده جراید را در این باره گردآوری می‌کردم که از آن میان روزی متوجه شدم که مقالات و نوشته‌های ایشان خود حجم قابل ملاحظه‌ای یافته و در حد کتابی است مفید و خواندنی و لاجرم درخور چاپ و نشر.

بنابراین بر آن شدم که نظم و ترتیبی به آن داده و آن را برای چاپ و نشر آماده نمایم، از این جهت چند سال قبل نامه‌ای به خدمت‌شان نوشته و قصد و نیت خود را در این باره با ایشان در میان گذاشتم و یادآور شدم که: «چون در شهرستان ناشری که بتواند چنین کتابی را به چاپ برساند وجود ندارد، خواهشمند است که با ناشران مرکز در این باره صحبت بفرمایید، باشد که بتوانم مجموعه حاضر را به چاپ برسانم.»

خوشبختانه نشر قطره با لطف تمام پذیرای چاپ آن شد، پس جا دارد در اینجا از همت ناشر محترم در تقبل این مهم تشکر نمایم.



کتاب حاضر شرح زندگی و بیان عملکرد فرهنگی مردان و زنانی است که در قرن اخیر، هر یک به گونه‌ای به گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی پرداخته و با نشر آثار خود گوشه‌های تاریک این تمدن کهنسال را روشن نموده‌اند. از این بابت هر یک از آنان سرگذشتی دلپذیر دارند که می‌تواند برای جوانان امروز و آیندگان نمونه و سرمشق باشد.

دانشمندانی که با عشق و علاقه به سرزمین خود، بدون کمترین چشمداشتی در شناساندن فرهنگ گذشته این دیار و تقویت حس ایران دوستی در نسل‌های کنونی و آینده‌گوشا و کارآمد بوده‌اند.

بنابراین باید سرگذشت فرد فرد آنان و اینکه با نشر آثار خود چه تأثیری بر روند تحقیقات ایران شناسی گذاشته‌اند، نموده شود.

البته درباره برخی از دانشمندان معرفی شده در این مجموعه، مقالات زیادی توسط نویسندگان دیگر نوشته شده است، اما نوشته‌های این مجموعه از لونی دیگر است.

آنچه که نوشته‌های افشار را از دیگران متمایز می‌کند به سبب یک ویژگی مهم است که در دیگران نیست، و آن این است که نویسنده با اکثر آنان دوست، رفیق، همکار، همقلم، همراه، همسفر، همکلاس و... و به نحوی آشنا بوده است و با برخی دیگر نیز به سبب استاد و شاگردی پیوندی دیرینه داشته و با گروهی نیز رفیق و همدم و همسفر کوه و بیابان و جنگل بوده و خلاصه به سبب نزدیک به شصت سال کار مطبوعاتی اعم از سردبیری و صاحب امتیازی، اکثر اشخاص را از راه کار فرهنگی شناخته و گاهی نیز به جهت نامه‌ای و مقاله‌ای از آنان با آنها آشنایی به هم زده و دوستی پایدار میانشان برقرار شده است.

از این نظر کتاب حاضر گذشته از حدیث دیگران، تا حدودی روایت زندگی فرهنگی نویسنده نیز هست، چرا که در خلال بیان زندگی افراد مختلف، به نحوه آشنایی خود با آنان پرداخته و بدین وسیله گوشه‌هایی از زندگی و کار خود را نیز نمایانده است.

به قول خداوندگار جلال‌الدین محمد بلخی:

خوشر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران

آقای افشار به سبب آشنایی با استادان نامور قرن اخیر همچون: ابراهیم پورداود، عباس اقبال، علی‌اصغر حکمت، سعید نفیسی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سید حسن تقی‌زاده، مجتبی مینوی، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، دکتر عباس زریاب‌خویی، محمدتقی دانش‌پژوه، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر محسن صبا، دکتر پرویز ناتل خانلری، مصطفی مقربی و... گفتارهای مفصل درباره هر یک نوشته و با بیانی شیرین و دلچسب، گوشه‌های تاریک زندگی و کارشان

را برای خواننده روشن کرده است.

گذشته از آن کتاب حاضر در بردارنده سرگذشت کتابخانه‌های شخصی دانشمندی است که اکثراً با اهدای کتابخانه خویش به مراکز دانشگاهی و کتابخانه‌های عمومی، علاوه بر نشر دانش بر غنای کتابخانه‌های کشور افزوده‌اند.

کتاب حاضر به نوعی تاریخ ادبیات در زمینه پژوهشگران سده اخیر ایران است و از این نظر می‌تواند برای پژوهشگران رشته‌های مختلف ایران شناسی مفید فایده بسیار باشد. همچنین این کتاب مرجع مستند و پُر فایده‌ای است برای مؤسسات فرهنگی کشور، از جمله مؤسسات تهیه‌کننده دانشنامه‌ها و مجلات فرهنگی و کتابخانه‌های عمومی و خلاصه تمامی کسانی که در این مقوله ادبی فعالیت و کوشش می‌نمایند.

لازم به یادآوری است که مجموعه حاضر در هنگام عقد قرارداد و قبل از حروفنگاری، تنها شامل اعلام نویسندگان و پژوهشگران ایرانی بود که بنا به پیشنهاد نویسنده مقالات، ایران‌شناسان خارجی نیز به آن اضافه گشت و نگارنده با کوشش فراوان توانست که در این مدت به تهیه آن بخش نیز اقدام نماید.

همچنین گفتنی است که آقای افشار در مورد برخی از دانشمندان و نویسندگان معرفی شده، به نگارش یک گفتار اکتفا نکرده و در مواقع مختلف به مناسبت‌هایی مقالات دیگری نیز در موردشان نوشته است، از این نظر سعی شده که حتی‌المقدور تمامی گفتارها درباره شخص مورد نظر، جمع آوری و به دنبال هم تدوین گردد تا حق مطلب به تمامی درباره آنان ادا شود.



در تدوین کتاب حاضر سعی شده که به ترکیب اصلی نوشته‌ها خدشه‌ای وارد نیاید و از ویراستاری‌های بی‌مورد پرهیز شود، اما کوشش شده که علایم نقطه‌گذاری و سجاوندی و رعایت املائی کتاب براساس شیوه‌کنونی در نگارش کتابهای مرجع صورت گیرد. گفتنی است که آقای افشار با اغلب دانشمندی که در این مجموعه معرفی شده‌اند، مکاتبه و از هر کدام نامه‌های زیادی داشته (مثلاً از محمدعلی جمال‌زاده ۳۶۴ نامه) و گهگاه در پایان برخی از گفتارهای حاضر، قسمتهایی از نامه‌های دانشمند معرفی شده را در گفتار خویش آورده است، در این باره به خاطر ایجاز، از درج متن نامه‌ها، خودداری و فقط به ذکر نامه‌هایی که در متن گفتار آمده، اکتفا شده است. لذا خوانندگان علاقه‌مند در این باره می‌توانند به مرجع و مأخذ معرفی شده در پایان همان گفتار مراجعه نمایند.

همچنین چون امکان چاپ همه عکسهای دسته‌جمعی که در متن مقالات آمده، در این

کتاب میسر و مقدور نیست، لذا از ذکر مطالبی که متضمن توضیح عکس‌ها باشد، خودداری شده است.

چون در متن اصلی گفتارهای مربوط به سرگذشت اشخاص، در برخی موارد ذکر تاریخ تولد و وفات آنها نیامده بود، بنابراین سعی شده است که حتی المقدور موارد فوت شده، از مراجع دیگر به دست آورده شود و در مورد کسانی که تاریخ تولدشان در دسترس نبود، با علامت (؟) مشخص شده است.

همچنین سعی شده که چنانچه تاریخ وفات کسانی که در نوشته آقای افشار مشخص نشده بود، از منابع دیگر و نشریات همزمان تهیه و در پایان مقاله در میان [] نوشته شود. نیز گفتارها به ترتیب سنواتی مرتب و مدوّن شده و در میان هر سال حتی المقدور رعایت ماه شده است، جز این در مورد دانشمندانی که به تفصیل در باره‌شان نوشته شده، سعی شده که در ابتدای همان سال و در مورد اشخاصی که به اختصار نگارش یافته بود، در پایان همان سال با عنوان «دیگر در گذشتگان سال...» سخن رفته است.

در تدوین کتاب حاضر از یاری عده‌ای از دوستان برخوردار شده‌ام که در صدر آقای ایرج افشار قرار دارد. ایشان با تهیه و فتوکیپی کسری مقالاتی که موفق به گردآوری آن نشده بودم، کمک بزرگی به نگارنده نمود. همچنین تشکر خود را از دوستان عزیز: آرش رحمانی، فریدون نوزاد، احمد اداره‌چی که با در اختیار گذاشتن کسری مجلات، موجبات تکمیل کتاب حاضر را فراهم نموده‌اند، ابراز می‌دارم.

در تصحیح اوراق چاپی و نمونه‌خوانی کتاب حاضر، فرزندانم مانی و مانا نیکویه به کمک پدر شتافتند و یاریم نمودند، سعی‌شان مشکور باد.

رشت ۲۵ دی ماه ۱۳۸۱

محمود نیکویه